

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی راه جمع پنجم بین روایات تخیر و توقف

بحث در جمع پنجم بین اخبار توقف و تخیر بود و گفتیم در این راه جمع، اخبار توقف را باید حمل بر الزامیات و اخبار تخیر را باید حمل بر مستحبات و مکروهات کنیم. امام (رضوان الله تعالی علیه) فرمودند قائلین به این راه به روایت مسمعی تمسک کردند. ما اشکال ایشان و تأملی که در آن وجود داشت را ذکر کردیم.

به نظر ما مهم‌ترین اشکال این راه جمع، عدم قابلیت حمل این معنا – حمل بر مستحبات و مکروهات – بر برخی روایات تخیر است. مثلاً در موثق سماعه – ما دلالت روایت را برخلاف مرحوم اصفهانی و امام بر تخیر پذیرفتیم – تعبیر «أَحَدُهُمَا يَأْمُرُ بِأَخْذِهِ وَ الْآخَرُ يَنْهَاهُ عَنْهُ»، در روایت حسن بن جهم تعبیر «يَجِئُنَا الرَّجُلَانِ وَ كِلَاهُمَا ثِقَّةٌ بِحَدِيثَيْنِ مُخْتَلَفَيْنِ فَلَا نَعْلَمُ أَيُّهُمَا الْحَقُّ»، در مرفوعه زاره تعبیر «إِنَّهُمَا مَعًا مُوَافِقِينَ لِلِإِحْتِيَاظِ أَوْ مُخَالَفِينَ لَهُ» وارد شده است که این‌ها را نمی‌توان بر این معنا حمل کرد.

روایت اول که صریحاً دلالت بر وجود امر و نهی الزامی دارد که در ادامه آن هم مسئله تخیر مطرح شده است. در روایت دوم هم اگر یکی رجحانی باشد راه جمعش روشن است و تعبیر لانه علم أيهما الحق معنا ندارد چون این تعبیر در جایی است که عرف نمی‌تواند بین دو روایت جمع کند در نتیجه واضح است که یکی امر و دیگری نهی است. در روایت سوم هم یا مراد این است که هر دو امر، یا هر دو نهی و یا یکی امر و دیگری نهی است چون اینها با احتیاط سازگاری دارند به این بیان که اگر روایت طرف مقابلشان نبود (بشرط لا) عمل به طرف دیگر مطابق با احتیاط است؛ نه این‌که بگوئیم مثلاً یکی نهی و دیگری ترخیص است چون در این صورت موافقت با احتیاط امکان ندارد.

بله در بین روایات تخیر، روایت علی بن مهزیار که در آن تعبیر «فَرَوَى بَعْضُهُمْ أَنَّ صَلَّيْهُمَا فِي الْمَحْمِلِ وَ رَوَى بَعْضُهُمْ أَنَّ لَا تُصَلَّيْهُمَا إِلَّا عَلَى الْأَرْضِ» وارد شده است و خواندن نافله فجر روی زمین را می‌توان حمل بر رجحان کرد مؤید این جمع است. همچنین روایت حارث بن مغیره و یا مکاتبه حمیری را هم می‌توان مؤید این جمع دانست.

جمع‌بندی بحث راه‌های جمع بین روایات تخیر و توقف

در مقام جمع راه‌های دیگری هم ذکر شده است که هر چند شاید ناظر به مورد برخی روایات باشند ولی همگی تبرعی هستند. مثلاً گفته‌اند اخبار تخیر را حمل بر حقوق الهی و اخبار توقف را بر حقوق الناس کنیم. راه دیگر حمل اخبار تخیر بر تعارض بین عبادات و حمل اخبار توقف بر تعارض بین معاملات است.

به نظر ما بهترین راه، جمعی است که مرحوم آقای حائری (رضوان الله تعالی علیه) فرمودند البته با بیانی که ما گفتیم و قرائنی هم در روایات مخصوصاً تعبیر «لَا تَقُولُوا فِيهِ بَارِئِكُمْ» بر آن وجود دارد. در این راه جمع اخبار توقف یعنی یکی از این دو را به حسب واقع اسناد به شارع ندهید و اخبار تخییر یعنی در مقام عمل به هر کدام خواستید عمل کنید.

قبلاً هم گفتیم از امام (قدس سره) تعجب است با این که ایشان جمع استادشان مرحوم آقای حائری را رد می کنند ولی در نهایت تمایل به آن پیدا می کنند.

دیدگاه صاحب کتاب المغنی و بررسی آن

استاد ما (دام ظلّه) در کتاب المغنی به تبع مرحوم عراقی^[1] می فرماید چون در خبر مسمعی تعبیر «عَلَيْكُمْ بِالْكَفِّ وَ التَّثْبُتِ وَ الْوُقُوفِ وَ أَنْتُمْ طَالِبُونَ بَاحِثُونَ حَتَّى يَأْتِيَكُمُ الْبَيَانُ مِنْ عِنْدِنَا» وارد شده؛ پس غایت اخبار توقف اتیان البیان من الائمة (علیهم السلام) است. در ادامه می فرماید اخبار تخییر به منزله بیان از جانب ائمه است؛ یعنی ایشان فرمودند در متعارضین مخیر هستید لذا موضوع اخبار توقف را از بین می رود؛ کما این که از یک طرف عقل قاعده قبح عقاب بلا بیان را بیان می کند و در مقابل روایت یا اصل عنوان بیان را برای ما پیدا می کند.

اشکال این بیان خیلی واضح است چون اولاً هر چند روایت توقف می گوید «حتی یأتیکم البیان» ولی مقصود از بیان، ظاهراً بیان این است که کدام یک از این دو روایت مطابق با واقع است. به بیان دیگر این که در خبر مسمعی گفته شد که با آراء ظنی نگوئید این روایت یا آن روایت درست است حتی یأتیکم البیان انصراف به این دارد که بگوئید کدام یک از این روایات درست و مطابق با واقع است.

ثانیاً تخییر عرفاً بیان نیست چون می گوید در مقام عمل به هر کدام می خواهید عمل کنید ولی تکلیف دو روایت را روشن نمی کند یعنی نمی گوید کدام یک از این دو مطابق با واقع است یا نیست؟

ثالثاً این که در روایات توقف امام (علیه السلام) می فرماید «یرجئه حتی یلقى من یخبره» مراد خبر دادن از واقع است نه ظاهر. بلکه اشکال ندارد که جایی امام دو روایت را بیاورند و به اصحاب یاد بدهند که اگر دو روایت متعارض دیدید مخیر هستید و التزام به حکم ظاهری را بگویند در نتیجه لازم نیست حتماً قرینه پیدا کنید که واقع کدام یک از این دو است.

قبلاً گفتیم یکی از مبانی حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) این بود که امام معصوم شأنش شأن بیان حکم ظاهری نیست. ما این را رد کردیم و گفتیم امام هم می تواند حکم ظاهری را بیان کند؛ ولو مطلبی سنگینی است ولی حتی بالاتر از این را هم می توان ملتزم شد و گفت هر چند حضرت علم غیب دارد ولی در عین حال امکان دارد ایشان از حیث عمل به ظاهر عمل کنند چون علم غیب ایشان مدار و ملاک برای احکام نیست. بلکه امکان دارد امام (علیه السلام) در موردی از علم غیبش استفاده کنند ولی اگر استفاده نکردند مثلاً در قضاوتی یک طرف دعوا واقع شد و قاضی به نفع امام حکم کند، امام هم مثل احد من الناس می توانند از آن حکم استفاده کنند.

به بیان دیگر اگر ائمه (علیهم السلام) در امور شخصی مکلف بودند که به علم واقعی و علم غیبشان هم عمل کنند جایی برای این مطلب نبود اما وقتی می دانیم ایشان مکلف به این مطلب نیستند می توان گفت امام (علیه السلام) هم بر حسب ظواهر عمل کرده اند مانند عمل در طهارت و نجاست یا مسئله سوق مسلمین.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] «...ان مورد التوقف في تلك الاخبار إنما هو في صورة فقد الحجة و عدم الطريق إلى الواقع و مفاد الاخبار الآمرة بالتخيير إنما هو إثبات وجود الحجة و هو أحد الخبرين...» نهاية الأفكار، ج4قسم2، ص: 184.